

شناسنامه‌مان را با دست خودمان نسوزانیم

حسام‌الدین اسلاملو

گزارش

چشم سرمایه‌گذاری نگاه کرد. با اینکه سیرجان شهر صنعتی-معدنی‌ئی پنداشته می‌شود اما از جاذبه‌های توریستی هم بی‌بهره نیست که می‌توان با آن‌ها بر درآمد شهر افزود و در این حیطة برای تعداد زیادی از جوانان سیرجانی اشتغال‌زایی کرد. منتها به شیوه‌ی هر کاری ابتدا باید سرمایه‌گذاری کرد.

قلعه‌سنگ نیاز به عملیات گسترده اکتشاف و موزه دارد

قلعه سنگ سیرجان به عنوان شهری باستانی که در زمان‌های دور مرکز ایالت کرمان بوده است، نیاز به اکتشاف کامل، و بازسازی پلان‌ها دارد. همچنین به روش آنچه در تخت جمشید اتفاق افتاده، ساخت موزه‌ی کوچکی در محل به سبک معماری خود بنای قدیم قلعه برای نگهداری منبر سنگی و آثار کشف شده به شدت نیاز است. به جز جنبه‌های مفید تاریخ‌شناسی، اگر این هزینه‌ها برای قلعه‌ی سنگ شود، قلعه‌سنگ از محل بازدید گردشگران به درآمدزایی هم می‌رسد. اما پیش از هر چیز حریم قلعه سنگ در خطر است. حریم قلعه حفظ نشده که هیچ به آن تجاوز هم شده!

این موضوع دو خطر عمده دارد. یکی اینکه تمام زمین‌های گرداگرد شعاع قلعه تصاحب بشود و در آینده برای ورود به قلعه راهی نباشد و در این زمینه مشکل ایجاد شود. خطر جدی‌تر نابودی بیش از پیش آثار تاریخی زیر خاک رفته یا غارت آن توسط قاچاقچیان عتیقه است. عجا که قاچاقچیان بهتر از مسئولان ما قدر این گوهر قیمتی را می‌دانند. زیرا هنوز هم این سکه‌ی ضرب شیریگان است که به آلمان و فرانسه راه یافته و دانش تاریخ را جلو می‌رانند و بر فرضیات سابق تاریخی خط بطلان می‌کشاند.

پس تا دیر نشده باید برای حفظ آثار این تمدنی که کارگاه ضرب سکه داشته و کرسی و مرکز ایالت کرمان بوده، چاره‌ای اندیشید. شاید فردا دیر باشد و به قولی آیندگان ما را و بی‌تفاوتی‌مان را نفرین کنند.



دارد تخریب می‌شود و نیست می‌شود. از عوامل طبیعی مثل باد و باران و آفتاب و سرما و گرما که دچار فرسایش می‌کنند تا عوامل فرسایشی سهوی و عمدی انسانی. مثل بالا و پایین رفتن از آن و ضربه زدن به بدنه‌اش!

منبری با قدمت هزار ساله

هیچ کس هم هیچ کاری نمی‌کند. منبر سنگی قلعه‌سنگ را می‌گویم. منبری با قدمت حداقل هزارساله. اگر محراب‌های پلکانی رو به آسمان را در کیش مهرپرستی که از جنس سنگ ساخته می‌شدند هم مشت تاریخچه‌ی این منبر سنگی بیاید، باید در نظر بگیریم که شاید بتوانیم بگوییم منبری چندهزار ساله!

اثری ویژه که همه به تماشای آب رفتنش نشستیم. به تماشای فرسایش پله‌هایش که روزگاری نه چندان دور عمود هم بودند و حالا زاویه‌هایشان پریده!

نه میراث فرهنگی برایش مهم است و نه مثلاً دستاداران میراث. حتا چند سال پیش که بودجه‌ای رسید و خواستند جا به جایش کنند و دیدند نمی‌شود، حتا به ذهنشان نرسید یا نخواستند که دست کم همان بودجه را صرف این کنند که دور منبر اتاقک شیشه‌ای ضد ضربه بکشند و این طوری عوامل تخریب را عقب برانند. چرا نخواستند؟ کسی نمی‌داند؟

عجیب اینکه مسئولان ما همه داعیه‌ی دین‌داری هم دارند و آن وقت نسبت به سازه‌ای که دست کم ثابت کننده‌ی قدمت و دیرینگی همین تدین تا قرن‌ها پیش است، چنین بی‌مهری و کم‌توجهی می‌کنند! چگونه به این جماعت ثابت کنی که ثروت اصلی سیرجان معادن در حال اتمام و تجدیدنپذیرش نیست! ثروت اصلی سیرجان این قلعه‌سنگ و قدمتش است. آثار دفن شده‌ی زیر خاک این قلعه است. هم ثروت معنوی‌ست و هم ثروت مالی!

چرا داریم با دست خود، شناسنامه‌ی تمدن‌مان را می‌سوزانیم؟! کسی جواب این سوال را می‌داند؟ چرا داریم هرچه سند و مدرک هست را که از قدمت بیشتر تمدن در اینجا حکایت دارد، با دست خود نابود می‌کنیم؟! همه هم این کار را می‌کنیم. از ملت یادگاری‌نویس روی آثار تاریخی تا دولت بی‌توجه و اداره‌ی میراث بی‌خاصیتش!

چرا در شهری با این همه ثروت یک شرکت بزرگ معدنی (با عنوان‌های دهان پرکن مثل بزرگترین معدن خاورمیانه) نمی‌آیند در راستای مسئولیت اجتماعی و به جای محیط زیستی که آلوده می‌کنند، دست کم دستی به سر و روی سایت قلعه‌سنگ بکشند؟

معدن آینده‌ی سیرجان همین قلعه سنگ است. نگذاریم از بین برود. هربار که صحبت از میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری می‌شود، ذهن‌ها به سمت هزینه و بودجه‌های دولتی می‌افتد که باید به صورت سمبولیک و نمادین خرج شوند.

این درحالی‌ست که به این بخش می‌توان نگاه درآمدزا داشت و پای بخش خصوصی را وسط کشید و چندین برابر هزینه‌هایی که در هرکدام از بخش‌های گردشگری، صنایع دستی و آثار تاریخی می‌شود را در اقتصاد توریستی برداشت کرد. فقط کافی‌ست به این بخش هم به